

جن در قرآن و سنت

نوشتہ:

حسین تاجی گلہ داری

فهرست مطالب

.....	مقدمه
.....	توکل بر خدا واجب است
.....	ایمان به غیب
.....	جن
.....	دلیل از قرآن کریم
.....	عدم رویت دلیل بر عدم وجود نیست
.....	جن از چه چیزی آفریده شده است؟
.....	چگونه جنهای کافر با آتش عذاب داده می شوند؟
.....	آیا جن مکلف است؟
.....	انواع جن
.....	آیا جن می خورد و می نوشد؟
.....	جن خود را به شکل و صورتهای مختلف در می آورد
.....	پناه بردن به جن حرام است
.....	قربانی کردن برای جن حرام است
.....	کمک خواستن از جن حرام است
.....	آیا جن به مردم اذیت و آزار می رساند؟
.....	صرع و جن زدگی
.....	ذکر ادله از قرآن و سنت
.....	علت جن زدگی چیست؟
.....	نشانه های جن زدگی
.....	نشانه های جن زدگی در خواب
.....	نشانه های جن زدگی در بیداری

.....مشروعیت علاج جن زدگی.....

.....صفات علاج کننده.....

.....کیفیت علاج.....

.....مرحله اول قبل از معالجه.....

.....مرحله دوم علاج.....

.....مرحله سوم بعد از علاج.....

.....چند نصیحت برای در امان بودن از شر جن.....

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين.

خداوند در این جهان پهناور بنا بر حکمت خویش موجودات زیادی آفریده است، و هر کدام را برای هدفی خلق کرده است بسیاری از این موجودات با چشم دیده می شوند و بسیاری هم قابل رؤیت نیستند، یکی از این موجودات که قابل رؤیت نیستند، جنها هستند که خداوند آنها را مثل انسانها برای عبادت آفریده است. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱. (ذاریات / ۵۶). آنها موجودات غیبی هستند که قرآن و سنت از آنها صحبت نموده و ایمان آوردن به آنها لازم و ضروری است بطوریکه علمای اسلام اتفاق نظر دارند که هر کس وجود جن را انکار نماید از دایره اسلام خارج می شود، زیرا وی در حقیقت قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ را انکار و تکذیب نموده است. البته مردم تصورات مختلف و گوناگونی در باره جن دارند، که تصور آنها بستگی به میزان علم و آگاهی آنها دارد.

در جامعه کنونی ما در اثر غفلت از ذکر خدا، و عدم پرهیز از محرمات، و سست شدن پایه های اعتقادی، شیطان بر آنان را دچار سر در گمی نموده و از صراط مستقیم منحرف نموده است. زیرا هر چه انسان از خدا دور شود شیطان به وی بیشتر نزدیک می شود.

مسئله جن زدگی و راههای علاج آن یکی از مسائل است که این روزها اذهان بسیاری از مسلمانان را بخود مشغول ساخته است، برخی با رفتن به نزد جادو گران و از راه سحر و جادو و طلسمهای شیطانی و برخی دیگر با تو سل به راههای مختلف دیگر، خواهان علاج و شفا از این بیماری هستند، و اگر آنها را از این کارها منع کنیم خواهند گفت: پس راه شرعی آن، در پرتو قرآن و سنت چیست؟ یکی از دوستان از اینجانب خواستند که در زمینه وجود جن و جن زدگی و راه علاج شرعی آن مطالبی بزبان فارسی جمع آوری نمایم تا پاسخگوی این عده عزیزان با شد.

۱- ترجمه: «و جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده‌ام».

بنده با وجود اینکه از نوشتن چنین بحث و موضوعی قاصر و ناتوان بود ولی با استعانت از خداوند تقاضای آن دوست عزیز را لیبیک گفتم، و کتاب حاضر را به رشته تحریر در آوردم و همچنین به فرمان رسول الله ﷺ جامعه عمل پوشیده باشم، که می فرماید: «کسی که می تواند به برادرش نفع و فایده ای برساند، دریغ ننماید».

و امیدوارم که این کتاب راهنمایی باشد برای برادران مسلمانم و وسیله نجات ما در روز قیامت باشد، آن روزی که مال و دارایی بکار نیاید.

در پایان از خداوند بزرگ مسئلت دارم که همگی ما را از شر شیطان انس و جن محفوظ بدارد.

التماس دعای خیر

حسین تاجی گله داری

۲۰ رجب ۱۴۲۱ هجری

آبان ۱۳۷۹ شمسی

توکل بر خدا واجب است:

توکل بر خداوند بزرگ امری است مطلوب و محبوب و خداوند به آن امر نموده و مردم را بسوی آن رغبت داده و متوکلین را ستوده است.

فرموده: ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (مائده / ۲۳). «و اگر مؤمن هستید بر خدا توکل کنید».

حال اگر ما مؤمن حقیقی هستیم، باید که بر پروردگارمان توکل کنیم.

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق / ۳).

«وهر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است».

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (ممتحنه / ۴).

«پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو باز گشتیم و بازگشت به سوی تو است».

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ (فرقان / ۵۸).

«وتوکل کن بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد».

همانا توکل صادق و حقیقی بر خداوند، تعلق قلب به الله واحد، لذت و شیرینی دارد که شخص مؤمن آن را در قلب خود می یابد، و اگر کوههای دنیا بر پشتش گذاشته شود و مصیبتها به وی هجوم آورد، و بیماریها بر او چیره شود هرگز لبخند رضایت و قبول از وی دور نمی شود.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می فرماید: «حسبنا الله ونعم الوکیل» کلمه ای است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامیکه در آتش انداخته شد فرمود، و محمد صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامیکه گفته شد:

﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

(آل عمران / ۱۷۳). «همانا مردم برای مقابله با شما نیرو جمع آوری کرده اند پس از آنها بترسید، آنان

ایمانشان فزونی یافت و گفتند: ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾» یعنی: «خدا ما را بس است و چه

نیک کارسازي است».

ابراهیم خلیل الله، بت شکن زمان، پدر پیامبران علیهم السلام به ما چگونگی توکل بر خدا را می آموزد، ابراهیم در محیط و سرزمین کفر زندگی می کرد، و پدرش مشرک بود و بت می فروخت، ولی ابراهیم از آغاز کودکی توحید و یکتا پرستی در قلبش جای گرفته بود و به شرک و اعمال مشرکین راضی نبود، می بینیم که او تبر را بر دوش می گیرد و روانه بتکده می شود و با دست مبارکش بتها را ریزه ریزه می کند و تبر را بر دوش بت بزرگ گذاشته و از بتخانه بیرون می شود... پس سزایش چنین بود که او را زندانی کردند و گودالی عمیق کردند و هیزم زیادی جمع آوری نمودند، حتی پیرزنان و کودکان زیادی در جمع آوری هیزم شرکت کردند، آنگاه آتش افروخته شد سپس ابراهیم علیه السلام را در منجنیق گذاشتند و درون آن آتش انداختند، او قلبش وابسته به خدا بود و توکلش بر او بود و گفت: (حسی الله).

پس در آن وقت دشوار و سخت پرور دگارش به فریادش میرسد و ندای الهی می آید: ﴿قُلْنَا يٰنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ﴾ (انبیاء / ۶۹). «گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت شو». آنگاه آن آتش شعله ور به باغی سرسبز مبدل می گردد و آتش به وی ضرری نمی رساند، مشرکین در اطراف آتش جمع شده بودند و منتظر نتیجه بودند، پس ابراهیم علیه السلام صحیح و سلامت از آتش بیرون می آید.

بر آن مردم مؤمن راستگو	چو اینگونه گفتند قومی راستگو
شما را کشاندند در تنگنا	بباید بترسید از آن و غا
نه تنها نترسند آن قوم راد	که ایمانشان هم بگردد زیاد
بگفتند ما راست کافی خدا	نگهبان نیکی است آن کبریا

و معنای توکل این نیست که انسان اسباب را رها کند، بطور مثال معقول نیست که یک انسانی در خانه اش و بر رختخوابش بنشیند، و منتظر رزق و روزی باشد که در منزلش وارد شود. در روایات آمده است که روزی عمر بن الخطاب رضی الله عنه عده ای از جوانان عبادتگزار را دید که در مسجد نشسته اند پس از آنان پرسید: از کجا می خورید؟ آنان گفتند: مردم به ما غذا می دهند.

او آنان را با دره زد و به آنان گفت: از اینجا بیرون شوید، زیرا که آسمان طلا و نقره نمی باراند. ولی انسان باید معتقد باشد که خداوند مسبب الأسباب است تمام امور به دست خدا و به مشیت و خواست او می باشد، بلکه ما می بینیم که حتی حیوانات و پرندگان چگونه با گرفتن اسباب با توکل برخداوند صبح زود برای جستجوی روزی خارج می شوند. در حدیث آمده است که رسول الله ﷺ فرموده است: «اگر شما توکل می کردید بر خداوند حق توکل، هر آینه روزی داده می شدید همچنانکه پرندگان روزی داده میشوند، و در هنگام صبح با شکم خالی بیرون می رود و شب با شکم پر بر می گردد».

از خداوند مسألت داریم که توکل حقیقی نصیب ما بگرداند و یک لحظه ای ما را بر خود وا نگذارد.

ایمان به غیبت:

آنچه که بر ما پوشیده است و خدا و رسولش درباره آن به ما خبر داده غیبت می باشد، و ایمان به غیبت، یکی از اصول بنیادی عقیده اسلامی می باشد بلکه اولین صفتی است که خداوند در قرآن کریم متقین را به آن توصیف نموده و چنین فرموده است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَبَدَّوْا بِالْغَيْبِ وَبُيُوتُوا بِالسَّلَامَةِ﴾ (بقره / ۱-۳)

ترجمه: «الف، لام، میم، این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیز گاران است، آن کسانی که به غیبت ایمان می آورند و نماز بر پا می دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند».

لذا بر هر مسلمانی واجب است که به غیب ایمان داشته باشد، ایمانی که شک به آن راه نداشته باشد.

جن:

از چیز های غیبی که ایمان داشتن به آن واجب است ایمان داشتن به وجود جن می باشد، ادله بسیاری در قرآن کریم و سنت مطهره درباره وجود آنها ذکر شده است. دلیل از قرآن کریم:

۱- ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ﴾ (احقاف / ۲۹).

«به یاد آور ای پیامبر) هنگامی که گروهی از جن را نزد تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند.»

۲ - ﴿بِمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾ (انعام / ۱۳۰).

«ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان باز گو می کردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟!»

۳ - ﴿بِمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ﴾ (الرحمن / ۳۳).

«ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید مگر با نیرویی (عظیم و فوق العاده ای)».

۴ - ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا﴾ (جن / ۱).

«بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده اند، سپس گفته اند: ما قرآن عجیبی شنیده ایم.»

۵ - ﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ (جن / ۶).

«و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند.»

دلیل از سنت:

امام مسلم از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که فرمود: شبی همراه رسول الله ﷺ بودیم، ناگهان او را نیافتیم، پس در وادی و دره ها وی را جستجو کردیم، پس گفتیم که: ربوده شده، یا ترور شده است، پس به بدترین حالت، شب گذرانیدیم، هنگامی که صبح کریم، دیدیم که او از طرف حراء می آید، پس گفتیم: جستجوی شما را کردیم و نیافتیم، سپس به بدترین حالت شب گذرانیدیم!

آنگاه رسول الله ﷺ فرمود: «فرستاده جن نزد من آمد، پس به همراه او رفتیم، و بر آنان قرآن خواندم».

عبدالله می گوید: سپس همراه ما براه افتاد، و اثر آنان و اثر آتش آنها به ما نشان داد و درباره توشه از رسول الله ﷺ پرسیده بودند، پس به آنان فرموده بوده:

«هر استخوانی که نام خدا بر آن برده شده، برای شماست، وقتی که بدست تان می رسد گوشت بسیار خواهد داشت و هر پشکلی علفه ی حیوانات تان خواهد بود». سپس رسول الله ﷺ فرمود:

«پس با این دو استنجا نکنید، زیرا که غذای برادرانتان (جن) می باشد»^۱.

۲- از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ به من فرمود:

«همانا می بینم که تو گوسفند و صحرا نشینی را دوست داری، پس هر گاه در بین گوسفندان و در بادیه ات بودی، آن گاه برای نماز اذان دادی، پس صدایت را بلند کن، زیرا که صدای مؤذن را جن و انس و چیزی دیگری نمی شنود مگر اینکه در روز قیامت برای او گواهی می دهد»^۲.

۳- از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت:

رسول الله ﷺ همراه با گروهی از یارانش به سوی بازار عکاظ رفتند، در حالی که بین شیاطین «جن» و اخبار آسمان پرده و مانع ایجاد شده بود، و آتش پاره «شعله ی آتش» به سویشان انداخته شده بود.

پس شیاطین «جنیها» به سوی اقوامشان باز گشتند، پس آنها گفتند: شما را چه شده است؟ گفت:

در میان ما و خبر آسمان پرده و مانع ایجاد شده، آتش به سوی ما انداخته شده است.

گفتند: بین شما و خبر آسمان پرده ایجاد نشده مگر بخاطر حادثه ای که رخ داده است. پس به سوی شرق و غرب زمین بروید ببینید چه چیزی سبب حائل شدن بین شما و خبر آسمان شده است.

1 - صحیح مسلم: ۴۵۰.

2 - صحیح بخاری: ۶۰۹.

سپس آن گروهی که به سوی تهامه رفته بودند، به بازار عکاظ رسیدند و رسول الله ﷺ همراه اصحابش در نخله نماز صبح را می خواندند سپس آنان هنگامی که قرآن را شنیدند به آن گوش فرا دادند. آنگاه گفتند: قسم به خدا این آن چیزی است که بین ما و خبر آسمان مانع ایجاد کرده است، پس هنگامی که نزد قومشان برگشتند، گفتند: ای قوم ما، بدون شک که ما قرآن عجیبی شنیده ایم که به سوی رشد هدایت می کند پس به آن ایمان آورده ایم، و کسی را با پرورد گارمان شریک نمیگیریم. پس خداوند بر پیا مبرش ﷺ نازل فرمود: ﴿قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ﴾.

عدم رؤیت دلیل بر عدم وجود نیست:

عدم رؤیت جن دلیل بر عدم وجود آنها نیست، چه بسا چیزهای در اطراف ما وجود دارد ولی ما آنها را نمی بینیم، بطور مثال برق جریان دارد ولی ما آن را نمی بینیم، لیکن برای اثبات آن به اثر آن در لامپ و غیره استدلال می کنیم، و همچنین هوایی که بوسیله آن وجود آن را احساس می کنیم. بلکه روح که اساس زندگی ما بر آن استوار است و بدن آن می میریم، با وجود اینکه آن را نمی بینیم و حقیقت آن را نمی شناسیم، به موجود بودن آن ایمان داریم. و چیزهای دیگری مثل جاذبه زمین، نیروی آهن ربا (مغناطیس) و غیره نیز می توان نام برد.

جن از چه چیزی آفریده شده است؟

بطور قطعی و یقین آیات قرآنی و احادیث نبوی بر این دلالت دارند که جن از آتش آفریده شده است و خداوند می فرماید: ﴿وَحَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ﴾ (الرحمن / ۱۵). «و جن را از شعله آتش خلق کرد».

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می فرماید: (من مارح من نار) یعنی: از آتش خالص. و در روایت دیگر می گوید: از شعله های آتش!

و خداوند می فرماید: ﴿وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ﴾ (حجر / ۲۷).

«وجن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم».

1 - به تفسیر ابن کثیر (۷ / ۶۵۲) «سوره الرحمن» رجوع شود

و ابلیس هنگامی که به سجده کردن برای آدم امر شد چنین گفت: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ (اعراف / ۱۲). یعنی: «من از او (آدم) بهترم مرا از آتش آفریده ای، و او را از خاک آفریده ای».

و عایشه ام المؤمنین رضی الله عنها می گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «فرشتگان از نور آفریده شده اند، و جن از آتش آفریده شده، و آدم از آنچه که برای شما توصیف شده آفریده شده است»^۱.

چگونه جنهای کافر با آتش عذاب داده می شوند؟

این سؤال است که خیلی ها مطرح می سازند، و اگر آنها اندکی تفکر و اندیشه نمایند جواب این پرسش را خواهند فهمید.

پر واضح است که انسان از خاک آفریده شده است ولی اکنون او خاک نیست، فقط اصل وی از خاک بوده است. جن نیز چنین است از آتش آفریده شده ولی اکنون وی آتش نیست دلایل بسیاری در این زمینه وجود دارد.

حضرت عایشه رضی الله عنها می فرماید: رسول الله ﷺ درحالی که نماز می خواندند شیطانی نزدش آمد، آنگاه رسول الله ﷺ او را محکم گرفت و گلویش را فشار داد. و رسول الله ﷺ فرمود: «آنقدر گلویش را فشار دادم، تا اینکه سردی زبانش بر دستم احساس نمودم»^۱.

از این حدیث چنین نتیجه می گیریم که جن اکنون آتش نیست، زیرا اگر آتش می بود رسول الله ﷺ سردی زبان شیطان را بر دست خود احساس نمی کرد.

و در حدیث دیگری آمده که رسول الله ﷺ فرمودند: «دشمن خدا، ابلیس، شعله ای از آتش جهت قرار دادن آن در چهره ام آورد...»^۲.

از این حدیث چنین می فهمیم که اگر شیطان بر کیفی که آفریده شده یعنی (آتش) باقی می بود احتیاجی برای آوردن شعله ای از آتش نداشت.

1 - این حدیث را امام مسلم (۲۹۹۶) روایت کرده است .

1 - این حدیث صحیح است، و امام نسائی در سنن کبری (۱۱۴۳۹) روایت کرده است .

2 - امام مسلم روایت کرده است شماره (۵۴۲) .

و همچنین رسول الله فرموده است: «شیطان مانند خون در رگ انسان حرکت می کند»^۱. پس اگر بحالت خودش باقی می بود هر آئینه جسد انسان را می سوزاند. و باید گفت: انسانی که از خاک آفریده شده است شکنجه دادن آن بوسیله خاک ممکن می باشد و همچنین می توان آن را با آب عذاب و شکنجه کرد، پس هیچ جای تعجبی نیست که شیطان و جنی که از آتش آفریده شده بوسیله آتش شکنجه و عذاب شود، زیرا که خداوند بر هر چیز قادر و توانا است.

آیا جن مکلف است؟

می گوئیم: بله، جن نیز مانند انسان مکلف به تکالیف شرع است.

بدلیل فرموده خداوند: ﴿يَمَعَشَرِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾ (انعام/۱۳۰). «ای گروه جن و انس! آیا پیامبرانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟!». و همچنین بدلیل آیه: ﴿فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ (الرحمن / ۱۳). «پس (ای گروه جن و انس) کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید».

و علمای اسلام براین مطلب اتفاق نظر دارند که جن نیز مانند انسان مکلف می باشد. و خداوند می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات / ۵۶). «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند».

در نتیجه جن نیز برای عبادت و بندگی آفریده شده است پس پاداش صالحان و نیکو کارانش بهشت و کیفر کافران و ظالمان و بدکارانشان دوزخ می باشد. و همچنین در ابواب گذاشته ذکر نمودیم که رسول الله ﷺ برای خواندن قرآن و بیان احکام دین نزدشان رفتند، پس بر این دلالت دارد که آنها نیز مکلف به امور شریعت و دین اسلام می باشند.

1 - این حدیث را امام بخاری (۳۲۸۱) و امام مسلم (۲۱۷۴) روایت کرده اند .

انواع جن:

جن انواع گوناگون هستند، در حدیث آمده است که رسول الله ﷺ فرموده است: «جن سه صنف و نوع هستند، يك نوعی از آنها پر دارند و در هوا پرواز می کنند، و نوعی دیگر مارها و عقربها هستند، و نوع سوم آنها سکونت می کنند و کوچ نمی نمایند»^۲.

جای سکونت جن:

جن بیشتر جاهای خلوت و صحرا، مکانهای که در آن کسی زندگی نمی کند، می پسندد، و بدین خاطر بود که رسول الله ﷺ برای دعوت دادن آنان بسوی الله و خواندن قرآن برایشان به صحرا می رفتند، چنانکه در احادیث آمده است.

و برخی دیگر از جنها در جاهای کثیف و زباله سکونت می کنند، و این بخاطر اینست که آنها باقی مانده غذای انسانها را می خورند چنانکه در حدیث ذکر شده است.

برخی دیگر آنها همراه انسانها در منازل سکونت می کنند.

و همچنین در حمامها و دستشویها (توالت) نیز زندگی می کنند، در این جاها بیشتر جنهای کافر زندگی می کند زیرا که آنها جاهای نجس و کثیف را بیشتر دوست دارند و از بوی خوب بخصوص بوی مشک بدشان می آید.

و همچنین در شکافها و سوراخها نیز زندگی می کند، در حدیث آمده است که: «رسول الله ﷺ از ادرار کردن در سوراخ نهی نموده است»^۱.

از قناده یکی از راویان این حدیث پرسیده شد: برای چه ادرار در سوراخ کراهت دارد؟ گفت: گفته می شود که محل سکونت جن می باشد.

و جن در محل خوابیدن شتر نیز زندگی می کنند چنانکه در حدیث آمده است^۱.

۲- حدیث صحیح است، امام طبرانی در معجم الکبیر (۲۱۴/۲۲) و ابن حبان در صحیح (۶۱۵۶) و حاکم در مستدرک (۴۵۶/۲) روایت کرده اند.

۱- ابو داود بشماره (۲۹) و نسائی بشماره (۳۴) و احمد (۸۲/۵) و حاکم (۱۸۶/۱) روایت کرده اند.

۱- به صحیح مسلم (۳۶۰) و سنن ابو داود (۱۸۴) رجوع شود.

آیا جن می خورد و می نوشد؟

احادیث صحیح وارد شده است که جن می خورد و می نوشد، حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت می کند او همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و برای ایشان آب برای قضای حاجت و وضویش با خود حمل می کرد، روزی همراه با آب دنبال رسول الله صلی الله علیه و آله می رفت پس رسول الله فرمود: این کیست؟ وی گفت: من ابو هریره هستم، رسول الله فرمود: «برایم چندین سنگ جهت طهارت گرفتن بیار، و استخوان و سرگین نیار»، پس من سنگها را در حالی که در پیراهن خود گرفته بودم آوردم و نزد رسول الله گذاشتم، تا اینکه ایشان فارغ شدند همراه ایشان به راه افتادم سپس عرض کردم: استخوان و سرگین چه کارشان است؟

فرمود: «آن دو غذای جن می باشد، چونکه وفد جن نصیبین نزد من آمدند- و چه جن خوبی- آنگاه از من توشه طلب کردند، من برایشان از خدا خواستم و دعا کردم که به هیچ استخوان و سرگینی گذر نکنند مگر اینکه بر آن غذا بیابند»^۱.

و حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که: «خواست غذا بخورد پس با دست راست بخورد، و هر گاه خواست آب بنوشد پس با دست راست بنوشد، زیرا که شیطان با دست چپ غذا می خورد و بادست چپ آب می نوشد»^۲.

جن خود را بشکل و صورتهای مختلف در می آورد:

خداوند بزرگ و قادر این قدرت را به جن داده تا خود را به صورتهای مختلف و گوناگون در آورند، و در احادیث بسیار این حقیقت ثابت می باشد که آنها بیشتر بصورت سگ سیاه، گربه سیاه، و مار و عقرب برای انسان ظاهر می گردند.

و همچنین جن بشکل و صورت انسانها نیز ظاهر می گردد چنانکه در روز بدر شیطان به صورت سراقه بن مالک برای مشرکین ظاهر شد و گفت: امروز کسی بر شما غلبه نمی کند و من حامی و پشتیبان شما هستم^۱.

1- امام بخاری (۳۸۶۰).

2- امام مسلم (۲۰۲۰) روایت کرده است.

همچنین جن خود راه شکل شتر، گاو، گوسفند، اسب و قاطر و الاغ، و پرندگان نیز در می آورد... پس اگر جن در صورت و شکل‌های که گفتیم آشکار شود می توانیم آنها را مشاهده کنیم و در صورت و شکل اصلی که خداوند آنها را آفریده است دیدن آنها ممکن نیست چنانکه در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّهُمْ يَرَانَكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾ (اعراف / ۲۷). «شیطان و همدستانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید».

پناه بردن به جن حرام است:

خداوند در قرآن کریم از زبان جن حکایت می کند که گفتند: ﴿وَأَنَّهُمْ كَانِ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعْوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ (جن / ۶).

امام ابن کثیر در تفسیر این آیه می نویسد: یعنی ما جنیها چنین می پنداشتیم که برانسانها برتری داریم زیرا که آنها هرگاه در دره ای یا جای و حشتناکی در صحرا و بیابان منزل جاهلیت اینچنین بود که به بزرگ جن در آن منطقه و مکان پناه می بردند مبادا که به آنها بدی و آسیبی برسد، پس جنیها هنگامی که دیدند انسانها از آنها ترس و وحشت دارند، سعی کردند بیشتر آنها را مرعوب کرده و بترسانند، تابیشتر به آنها پناه بیاورند...^۱.

پناه بردن به جن شرك است، و خداوند چیزی بهتر از این به ما عطا کرده است، خوله دختر حکیم می گوید، از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرماید:

«هرگاه یکی از شما در جای منزل گرفت، آنگاه أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق»^۱.
بگوید، تا زمانیکه در آن منزل هست و کوچ نکرده چیزی به وی آسیب نمی رساند»^۲.

1- به سیره ابن هشام (۵۳۶/۱) و تفسیر ابن کثیر (۹۳/۴) رجوع شود.

1- به تفسیر ابن کثیر (۳۱۰/۸) سوره جن رجوع شود.

1- پناه می برم به کلمه های کامل پروردگار از شر آنچه که آفریده است.

قربانی کردن برای جن حرام است:

علمای اسلام بر این مسئله اتفاق نظر دارند که برای جن قربانی کردن حرام، بلکه شرك است، زیرا که این قربانی برای غیر خدا است، و هرگز خوردن گوشت آن برای مسلمان روا نیست چه رسد به اینکه شخص مسلمان این کار را انجام دهد.

باید ذبح و قربانی برای تقرب به درگاه الهی انجام بگیرد، و کسی که برای غیر خدا ذبح می کند در شریعت اسلام ملعون نامیده شده است.

حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت می کند، که فرمود: «خداوند لعنت کند کسی که برای غیر از خدا ذبح می کند»^۱.

ولی با وجود این افراد جاهل و نادانی دیده می شود که برای گشودن سحر با علاج شخص مصروع (جن زده) نزد ساحر و آن کسانی که با جن رابطه دارند می روند.

و آنها نیز حیوانهای با اوصاف خاص طلب می کنند، سپس آن را ذبح می کنند و خون آن را به بدن مریض می مالند، آنگاه دستور میدهند که آن را در فلان چاه بیندازند، و در هنگام انداختن نام خدا را نگیرند، اگر چه همان ذبح برای جن است که از آن نهی شده است، اگر چه آن ساحر نگوید که: برای جن ذبح می کند، چونکه اعمال و کردار انسان بستگی به نیت دارد.

کمک خواستن از جن حرام است:

راه و روش سحرگران و شعبده بازان بر کمک و مدد جستن از جن و شیاطین استوار است، و مدد خواستن از غیرخداوند شرك است، باید بگویم که: شیطان و جن هیچ وقت خدمتی برای ساحر انجام نمی دهند مگر در صورتی که ساحر گر با گفتن سخنی کفر آمیز و یا با انجام دادن عمل کفری کافر گردد، و هر چه بیشتر نافرمانی و سرپیچی امر خداوند بکند شیاطین بیشتر به او نزدیک می شوند، و اطاعتش را بیشتر بجا می آورند، این تعویذات و طلسمهای که افراد ساحر می نویسند بیشتر آنها

2- امام مسلم (۲۷۰۸) روایت کرده است.

1- امام مسلم (۱۹۷۸).

کلمات شرك آمیز و کفر است که با حروف غیر مفهوم نوشته اند. و همچنین طلب مدد از اولیای جن و شیاطین می باشد. هر چند که بعضی از کلمات و آیات قرآن برای فریب دادن مردم نادان با آن شامل می کنند تا مردم چنین گمان کنند که آنها با استفاده از کلمات قرآن تعویذ و دعا می نویسند.

آیا جن به مردم آزار و اذیت می‌رساند؟

با دلایل مختلف نقلی و عقلی ثابت شده که جن به انسان آزار و اذیت می‌رساند. و این آزار و اذیت یا بدین خاطر است که انسان به خاطر آنها آزار رسانده مثلاً بر سرشان آب گرم ریخته یا بر آنان ادرار کرده، یا اینکه در منزلشان منزل نموده، پس از وی انتقام می‌گیرند و به وی آزار و اذیت می‌رسانند و یا بدون هیچ گونه علت و سببی می‌خواهند به وی آزار برسانند. و این فقط يك نوع ظلم و ستم است همچنانکه انسانها هنگامی که سرشتشان دگرگون می‌شود و ایمانشان ضعیف می‌گردد، برخی نسبت به برخی دیگر ستم روا می‌دارند.

صرع و جن زدگی:

صرع عبارت است از اختلالی که در عقل انسان بوجود می‌آید، بطوری که نداند چه می‌گوید و چه گفته است، و شخص مصروع قادر به کنترل حرکات خود نیست.

و صرع بر دو نوع است: ۱- صرع توسط نفوس و ارواح خبیث و بد (که همان جن زدگی است) ۲- صرع بخاطر اخلاط.

و این نوع صرع، اطباء درباره سبب و علاج آن سخن می‌گویند، و نوع اول آن بسیاری از اطباء و عقلانیها آن را انکار می‌کنند ولی باید بگوئیم که این نوع از انواع صرع با نقل و عقل ثابت شده و چیزی است که مشاهده می‌شود و جای انکار نیست.

ذکر ادله:

اول دلیل از قرآن کریم:

خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ

الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾ (بقره / ۲۷۵). «کسانی که ربا می‌خورند (در روز قیامت) بر نمی‌خیزند مگر

مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده . . .».

امام قرطبی می گوید:

«این آیه دلیل است بر باطل بودن گفتار کسانی که صرع توسط جن را انکار کرده اند، و گفته اند: شیطان در بدن انسان راه ندارد . . .»^۱.

دوم- دلیل از سنت:

۱- عطاء ابن ابی رباح می گوید: عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما به من گفت: آیا می خواهی زن بهشتی به تو نشان دهم؟

گفتم: بله، گفت: این زن سیاه، نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمده و عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله من مبتلا به صرع هستم و در وقت صرع بدنم نمایان می شود، پس برایم دعا بفرما. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر خواستی صبر کنم و پاداشت بهشت خواهد بود و اگر خواستی برایت از خداوند دعا طلب میکنم تا تو را شفا بدهد؟». پس وی گفت: صبر میکنم، پس گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و آله بدنم لخت و نمایان می شود پس از خداوند بخواه تا اینکه نمایان و لخت نشوم، آنگاه رسول الله صلی الله علیه و آله برایش دعا کرد^۱. در روایت بخاری آمده که نام آن زن ام زفر بود^۲.

امام ابن حجر در فتح الباری می گوید: در روایت بزار آمده که آن زن گفت: «من از خبیث می ترسم که مرا برهنه سازد» و مراد از خبیث شیطان می باشد.

و صرعی که ام ظفر به آن مبتلا می بود از انواع صرع «جن زدگی» بود^۱.

۲- امام احمد از یعلی ابن مره روایت می کند: زنی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد در حالی که فرزند خرد سالش که بیمار بود «جنی شده بود» با خود همراه آورده بود. آنگاه رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «بیرون شو ای دشمن خدا، من رسول الله هستم»، در نتیجه آن کودک شفا یاب شد^۱.

1 - تفسیر قرطبی (۳/ ۳۵۵).

1 - این حدیث را بخاری (۵۶۵۲) و مسلم (۲۵۷۶) روایت کرده است.

2- صحیح بخاری شماره (۵۶۵۲).

1 - به فتح الباری (۱۱۵/۱۰) مراجعه شود.

2 - مسند احمد (۴/ ۱۷۱، ۱۷۲).

و در بعضی از الفاظ این حدیث آمده: ما همواره رسول الله ﷺ در سفر بودیم، آنگاه زنی را دیدیم که نشسته است و کودکی همراه وی می باشد. پس عرض کرد: ای رسول خدا، به این کودک بلا رسیده و به بخاطر بلای او ماهم در بلا هستیم، و در شبانه روز نمیدانیم او را می گیرد رسول الله ﷺ فرمود: «کودک را به من بده» آنگاه آن زن کودک را بلند کرد و به رسول الله ﷺ داد رسول الله ﷺ کودک را در میان خود و پالان شترش قرار داد، سپس دهانش را باز کرد و سه بار در آن دمید و فرمودند: «بسم الله إن عبدالله، أقصا عدو الله» آنگاه کودک را به مادرش برگرداند.

و فرمود: «در هنگام برگشتن در این جا ما را ملاقات کن و ما را از حال او با خبر ساز».

یعلی ابن مره می گوید: پس ما رفتیم و برگشتیم، پس آن زن را در آنجا دیدیم که با خودش سه گوسفند دارد.

آنگاه رسول الله ﷺ فرمودند: «کودکت چگونه است؟» گفت: قسم به آن ذاتی که تو را به حق فرستاده است تا این لحظه چیزی از آن ندیده ایم. و این گوسفندان را بردارید، رسول الله ﷺ به من فرمود: «پائین بیا و یکی را بردار و بقیه به وی برگردان»^۱.

علت جن زدگی چیست؟

شیخ الإسلام ابن تیمه درباره جن زدگی می گوید: گاهی بخاطر عشق و شهوت می باشد، و بیشتر بعلت دشمنی و مجازات صورت می گیرد، یعنی اینکه برخی انسانها به آنها آزار و اذیت برسانند، و یا اینکه جنیها چنین گمان کنند که آنها از روی عمد آزار و اذیتشان می کنند، با ادرار کردن بر آنها، یا با ریختن آب گرم، و یا کشتن بعضی از آنان، اگر چه خود انسان این را نداند، و جهل نادانی و ستم در بین جن بسیار وجود دارد، پس آنان در هنگام عقوبت و مجازات کردن بیش از آنچه که سزاوار باشد عقوبت می دهند. و گاهی اوقات مانند انسانها احمق و نادان بخاطر پوچی و بیهودگی و اذیت کردن وارد بدن انسان می شوند.

ما در اینجا بخاطر خلاصه به ذکر علل جن زدگی می پردازیم:

۱- عشق، (پری) زن جنی عاشق مرد انسی شود و یا اینکه مرد جنی عاشق زن انسی شود.

1 - مسند احمد (۴/۱۷۰).

۲- داخل شدن جنی از راه سحر، این چنین است که جادوگر بخاطر آزار و اذیت فلان شخص او را مامور داخل شدن به بدنش می نماید.

۳- ستم انسان به آنها، و یا با ریختن آب گرم بر آنان، و یا با افتادن بر رویشان، و یا با ادرار کردن بر آنان.

۴ - ستم جن به انسان، و آن اینکه بدون هیچگونه سبب وارد بدنش گردد و او را اذیت نماید و این در یکی از حالات زیر امکان دارد:

۱ - خشم زیاد.

۲- ترس بسیار.

۳- غوطه ور بودن در شهوات و گناهان.

۴ - غفلت بسیار.

۵- اندوه بسیار.

۶- خوشحالی زیاد

و نشانه های جن زدگی:

بسیار جن زدگی مانند سایر بیماریها دارای علامت و نشانه های خاص خودش می باشد، و دانستن این علامت ها برای معالجه کننده و اهمیت دارد. و این نشانه بر دو بخش تقسیم می شود:

۱- علامت و نشانه های آن در خواب.

۲- علامت آن در حالت بیداری.

نشانه های جن زدگی در خواب عبارت است از:

۱- پریشان بودن و به خواب نرفتن.

۲- بار بار بیدار شدن در شب.

۳- کابوس، (یعنی: انسان در خوابش چیزی ترسناک می بیند و نمی تواند حرکت کند و کسی را بفریاد بطلبد).

۴- خوابهای وحشتناک.

۵- بطور استمرار حیواناتی را مانند: گربه، و سگ، و شتر، و مار، و شیر، و روباه، و موش در خواب دیدن.

۶- خنده یا گریه و فریاد در خواب.

۷- در خواب ناله کردن.

۸- بدون شعور از خواب بلند شدن و در حال خواب راه رفتن.

۹- افرادی را در خواب ببیند که دارای قد بسیار بلند یا بسیار کوتاه باشند یا یا اشخاص سیاهی را ببیند.

نشانه های جن زدگی در بیماری:

۱- درد سر دائمی، (مشروط بر اینکه شخص مبتلا به بیماری در چشم، یا گوش یا بینی یا حلق دندان یا معده نباشد).

۲- از ذکر خدا و نماز و عبادت کراهت داشتن.

۳- پریشانی خیالی.

۴- احساس تنگی در سینه.

۵- میل به گوشه نشینی.

۶- بخواب رفتن انگشتان دست و پا.

۷- درد کردن عضوی از اعضای بدنش که پزشکان از علاج آن عاجز باشند.

۸- شنیدن صداهای عجیب و غریب.

۹- غش کردن.

مشروعیت علاج مسی (جن زدگی):

بدون شك داخل شدن جن به بدن انسان از جمله ظلم و ستمی که شریعت اسلام از آن نهی کرده، و از بین بردن ظلم از جمله کارهای است که به انسان اجر و پاداش داده می شود. و رسول الله ﷺ ما را

امر نموده: که به فریاد مظلومان برسیم و آنان را یاری نمائیم. و در حدیثی فرموده: «انصر أخاك ظالما أو مظلوما..»^۱.

«برادرت را یاری کن خواه ظالم باشد یا مظلوم، اگر ظالم است او را از ستم بازدار که این یاریش می باشد».

و در حدیث دیگر فرموده:

«من استطاع أن ينفع أخاه فليفعل»^۲.

«کسی که می تواند به برادرش فایده ای برساند پس آن کار را انجام دهد».

پس شخص علاج کننده با تلاوت قرآن و خواندن ادعیه و اذکار شرعی به یاری آن مظلوم می شتابد تا آن جنی ظالم را از بدن وی بیرون کند.

صفات علاج کننده:

- ۱- اخلاص داشته باشد.
- ۲- دارای عقیده صحیح باشد.
- ۳- متمسک و پابند به احکام قرآن و سنت باشد.
- ۴- به راههای شیطان و احوال جن آگاهی داشته باشد.
- ۵- دارای علم و آگاهی باشد، بویژه به اصول دین و امور دعوت.
- ۶- بر طاعت و عبادت خداوند مداومت داشته باشد.
- ۷- از محرّمات اجتناب کند.
- ۸- از بدعت دوری کند.
- ۹- بر ادعیه و اذکار و اوراد محافظت نماید. و...

1- صحیح بخاری (۲۴۴۴).

2- صحیح مسلم (۲۱۹۹).

کیفیت علاج:

علاج دارای سه مرحله است:

مرحله اول: قبل از معالجه:

- ۱- برخداوند توکل نماید و دعا کند که خداوند گشایشی بدهد و او را در این امر یاری کند.
- ۲- پاک ساختن آن خانه و مکانی که علاج در آن صورت می گیرد، با بیرون بردن عکس و چیزهای منکری که مانع ورود فرشتگان می گردد.
- ۳- بیرون آوردن تعویذ و دعاهای که در گردن و بازوی مریض است.
- ۴- امر کردن زنان به رعایت حجاب کامل و اینکه همراه با محرم باشد.
- ۵- برطهارت و پاکیزه بودن، پس شخص معالج و حاضرین و وضو بگیرند.
- ۶- چند دقیقه ای درباره ایمان بخدا و توکل بر او برای حاضرین صحبت کردن.

مرحله دوم: علاج

دست خود را بر روی سر بیمار بگذارد، و با ترتیل و صدای بلند آیات زیر را گوشش بخواند.
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۲﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۳﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۴﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۵﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۶﴾. (فاتحه / ۱ - ۷).

۲- ﴿الْم ﴿۱﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ ﴿۲﴾ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۳﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۴﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِمَّا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ

۳- یعنی: «ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان * بخشاینده مهربان * خداوند روز جزا * تنها تو را بندگی می‌کنیم و تنها از تو یاری میجوییم * ما را به راه راست ره نما * راه کسانی که به آنان انعام کرده‌ای، آنان نه که مورد خشم قرار گرفته‌اند و نه گمراهان».

وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٥١﴾ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۗ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥٢﴾ .
(بقره/ ۱-۵).

۳- ﴿وَاللَّهُ كَرِيمٌ ۗ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۗ لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٣١﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
وَاحْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ
مِن مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ
الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٣٢﴾ . (بقره / ۱۶۳-۱۶۴).

۴- ﴿اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ ۗ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَلَا
يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۗ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ ۗ وَلَا يَئُودُهُ
حِفْظُهُمَا ۗ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿١٣٣﴾ لَّا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۗ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۗ فَمَنْ يَكْفُرْ
بِالطَّغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَّا انفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٣٤﴾
اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمٰتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّغُوتُ

۴- ترجمه: «الم (الف. لام. میم) * این کتاب است که شکی در آن [روا] نیست. برای پرهیزگاران رهنماست * کسانی که به غیب ایمان می آورند و نماز برپای می - دارند و از آنچه روزیشان کرده ایم انفاق می کنند * و کسانی که به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده (قرآن کریم) و به آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده (دیگر کتابهای آسمانی) ایمان می آورند و آنانند که به [جهان] آخرت یقین دارند * اینانند [استوار] بر هدایت از [سوی] پروردگارشان و اینانند که رستگارند».

۵- ترجمه: «و معبودتان، معبود یگانه است. معبود [راستی] جز او نیست. بخشاینده مهربان است * به راستی در آفرینش آسمانها و زمین و [در پی یکدیگر] آمد و رفت شب و روز و در کشتی ای که در دریا برای بهره‌وری مردم، روان است و در آنکه خداوند از آسمان آب باراند، آن گاه زمین را پس از پرمردنش با آن زندگی بخشید و در آن از هر جنبنده‌ای پراکند و در گرداندن بادها و ابر مسخر بین آسمان و زمین برای گروهی که خرد می‌ورزند، نشانه‌هایی است».

يُخْرِجُوهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٦﴾. (بقره / ٢٥٥-٢٥٧).

٥- ﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ؕ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ؕ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٦﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ؕ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن دُسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ؕ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ؕ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾. (بقره / ٢٨٥-٢٨٦).

٦- یعنی: «خداوند [است که] معبود راستینی جز او نیست. زنده [و] تدبیرگر [هستی] است. غنودگی و خوابی او را فرا نمی‌گیرد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. چه کسی است که بدون حکم او در پیشگاهش شفاعت کند؟ گذشته و [حال و] آینده آنان را می‌داند و به چیزی از علم او جز به آنچه خود خواسته است، احاطه نمی‌یابند. کرسی [فرمانروایی] او آسمانها و زمین را فرا گرفته است و حفظ آن دو بر او گران نمی‌آید و او بلند مرتبه بزرگ [قدر] است * در [کار] دین اجباری [روا] نیست، به راستی راهیابی از گمراهی آشکار شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، [بداند] که به دستاویزی [بس] محکم چنگ زده است [که] آن گسستی ندارد. و خداوند شنوای داناست * خداوند کار ساز مؤمنان است، آنان را از تاریکیها به سوی نور بیرون می‌آورد و کسانی که کفر ورزیده‌اند، کار سازانشان طاغوت‌اند که آنان را از نور به سوی تاریکیها به در می‌برند. اینان دوزخی‌اند. آنان در آنجا جاودانه خواهند بود».

٧- یعنی: «رسول [خدا] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان [هم]. هر یک به خداوند و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند]: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آمرزش تو را [می‌خواهیم] و بازگشت به سوی توست * خداوند هیچ کس را جز [به اندازه] توانش مکلف نمی‌سازد. [هر کس] آنچه [از کارهای نیک] که انجام دهد، به سود اوست و [هر] آنچه [از گناهان که به عمد] مرتکب شود به زیان اوست. پروردگارا، ما را [به عقوبت آنچه] اگر فراموش یا خطا کنیم، مگیر. پروردگارا، بار گران را بر [عهده] ما منه. چنان که آن را بر [عهده] آنان که پیش از ما بودند، نهادی. پروردگارا، چیزی را که توان انجامش را نداریم بر ما تکلیف مکن و از ما درگذر و ما را بیامرز و ما را ببخشای. مولای ما تویی، ما را بر گروه کافران یاری ده».

۶ - ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ ^(۱۹) إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ إِلَهَهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ^(۱۸) . (آل عمران / ۱۸-۱۹).

۷ - ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ ^(۵۴) . (سوره اعراف / ۵۴).

۸ - ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ ^(۱۱۵) فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ^(۱۱۶) وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ^(۱۱۷) وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ ^(۱۱۸) . (سوره مؤمنون / ۱۱۵-۱۱۸).

۸- یعنی: «خداوند که به داد [همه امور هستی] را تدبیر می‌کند و فرشتگان و عالمان، گواهی دهند که معبود [راستینی] جز او نیست. [آری] معبود [راستینی] جز او [که] پیروزمند فرزانه است، نیست * بی‌گمان دین [حق] به نزد خداوند، اسلام است. و اهل کتاب جز پس از آنکه علم یافتند [آن‌هم] از روی رشک در میان خود، اختلاف نکردند و هر کس به آیات خدا کفر ورزد [بداند] که خداوند زود شمار است.»

۹- یعنی: «پروردگارتان، خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، آن‌گاه بر عرش استیلا یافت، شب را به روز می‌پوشاند در حالی که آن را به شتاب می‌طلبد. و خورشید و ماه و ستارگان را در حالی که به فرمان او مسخرند [آفرید] بدان که خلق و فرمانروایی خاص اوست. بس بزرگ است خداوند، پروردگار جهانیان.»

۱۰- «آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟ * خداوند، فرمانروای راستین، [بسی] برتر است. هیچ معبود [راستینی] جز او نیست، که پروردگار عرش گرانقدر است. * و هر کس که با خداوند معبود دیگری را [به نیایش] بخواند که هیچ دلیلی به [حقانیت] آن ندارد، جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش است. بی‌گمان کافران رستگار نمی‌شوند * و بگو: پروردگارا، بیمارز و بیخشی و تو بهترین بخشاینده‌ای.»

۹- ﴿وَالصَّفَاتِ صَفًا ﴿١﴾ فَالزَّجْرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾ فَالْتَّلِيَّتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشْرِقِ ﴿٥﴾ إِنَّا زَيْنًا أَلْدُنْيَا بَرِيْنَةَ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُحُورًا ۗ وَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِْبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَن خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾. (سوره صافات / ۱- ۱۰).

۱۰- ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا ۗ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿١﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٣﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤﴾. (سوره احقاف / ۲۹- ۳۲).

۱۱- یعنی: «سوگند به [فرشتگان] صف بسته * و به [فرشتگانی که مردم را] به سختی [از گناه] باز می‌دارند * و به آنان که کتاب خدا را [چنان که باید] می‌خوانند * که معبودتان یکی است * پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست و پروردگار مشرقهاست * ما آسمان فرودین را به زینتی [یعنی به] ستارگان آراستیم * و از [دستبرد] هر شیطان سرکشی به خوبی حفظ کردیم * [در نتیجه] به [خبرهای] ملاً اعلیٰ گوش نسپردند و از هر سو سنگباران می‌شوند * برای آنکه رانده شوند. و عذاب پیوسته دارند * مگر کسی که یکباره [خبری] را برآید. آن گاه شعله‌ای سوزاننده به دنبالش افتد».

۱۲- یعنی: «و چون گروهی از جنیان را متوجه تو ساختیم، قرآن را می‌شنیدند. آن گاه چون [در نزد] او [پیامبر اکرم] حضور یافتند، گفتند: خاموش باشید. پس چون [تلاوت قرآن کریم] به پایان آمد، بیم‌کنان به سوی قومشان بازگشتند * گفتند: ای قوم ما، به راستی ما [تلاوت] کتابی را شنیدیم که پس از موسی فرو فرستاده شده است. تصدیق کننده [کتابهای] پیش از خود است. به حق و به راه راست رهنمون می‌شود * ای قوم ما، [دعوت] دعوتگر الهی را بپذیرید و به او ایمان آورید. تا برخی از گناهانتان را برای شما بیامزد و شما را از عذاب دردناک در امان دارد * و کسی که [دعوت] دعوتگر خدا را نپذیرد، در زمین [راه] گریزی نداشته و او در برابر خدا دوستانی ندارد. اینان در گمراهی آشکارند».

۱۱- ﴿يَمْعَشَرِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنْ أَسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ ﴿٣٦﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٧﴾ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٨﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٩﴾﴾^{۱۳}.
(سوره الرحمن / ۳۶ - ۳۳).

۱۲- ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَدِشًا مُّتَصِدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نُضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣٦﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۗ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَمْلِكُ الْقُدُوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ۗ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣٨﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۗ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٩﴾﴾^{۱۴}. (سوره حشر / ۲۱ - ۲۴).

۱۳ - ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِي إِلَىٰ الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۗ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾ وَأَنَّهُ تَعَلَّىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَىٰ اللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ اللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾ وَأَنَّهُمْ

۱۳- یعنی: «ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از کناره‌های آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید. جز به توانی [شگرف از آنها] نمی‌توانید بگذرید * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟ * شعله‌ای از آتش بر شما فرستاده می‌شود و [نیز] دودی. آن گاه نمی‌توانید انتقام بگیرید * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟».

۱۴- یعنی: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، به یقین آن را از بیم خدا خاکسار و از هم پاشیده می‌دید. و این مثلها را برای مردم می‌زنیم که آنان اندیشه کنند * اوست آن خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. داننده نهان و آشکار. اوست بخشاینده مهربان * اوست خدایی که معبود [راستینی] جز او نیست. پادشاه پاک سالم [از هر عیب] ایمنی دهنده نگهبان پیروزمند جبار متکبر. خداوند از آنچه شرک می‌آورند پاک است * اوست خداوند آفریدگار نو آفرین نقشبند. او نامهای نیک دارد. آنچه در آسمانها و زمین است او را به پاکی یاد می‌کند. و اوست پیروزمند فرزانه».

ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا مُلَعَةً حَرَاسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ﴿٨﴾ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَحِجِّدْ لَهُ شُهَابًا رَصَدًا ﴿٩﴾. (سوره جن / ۱ - ۹).

۱۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾. (سوره اخلاص).

۱۵- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾. (سوره فلق).

۱۶- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾. (سوره ناس).

۱۵- یعنی: «بگو: به من وحی شده است که گروهی از جنیان [به قرآن] گوش فرا دادند، آن گاه گفتند: بی گمان قرآنی شگفت شنیدیم * که به سوی راستی راه می نماید پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را با پروردگار خویش شریک نمی آوریم * و [می دانیم] آنکه شأن و شکوه پروردگاران بس بلند است. همسری و فرزندی برنگرفته است * و [می دانیم] آنکه کم خردان ما در حق خداوند سخن نادرست می گویند * و ما گمان می کردیم که آدمی و پری هرگز بر خداوند دروغ نمی بندند * و آنکه کسانی از آدمیان به کسانی از جنیان پناه می بردند و [با این کار] بر سرکشی آنان افزودند * و آنان - چنان که شما پنداشتید - گمان کردند که خداوند هرگز کسی را [به نبوت] بر نمی انگیزد * و آنکه ما رو به سوی آسمان نهادیم و آن را چنان یافتیم که از محافظانی نیرومند و شهابهایی پر شده است * و آنکه ما برای [دزدیده] شنیدن [خبر] به نشستگاههایی می نشستیم. [اما] اگر کسی اینک گوش فرا دهد برای خویش شهابی آماده می یابد».

۱۶- یعنی: «بگو: خداوند است که یگانه است * خداوند بی نیاز است * نه [فرزند] زاده و نه زاده شده است * و هیچ کس همتای او [نبوده] و نیست».

۱۷- یعنی: «بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم * از شرّ هر آنچه آفریده است * و از شرّ شب تاریک چون [تاریکی اش همه چیز را] فرو پوشاند * و از شرّ [زنان جادوگر] دمنده در گرهها * و از شرّ رشکوز چون رشک ورزد».

۱۸- یعنی: «بگو: به پروردگار مردم پناه می برم * فرمانروای مردم * معبود مردم * از شرّ وسوسه گر باز پس رونده [به هنگام یاد خدا] * کسی که در دل های مردم وسوسه می کند * از جنیان [باشد] یا از مردمان».

(سوره ناس).

بعد از تلاوت آیات یا جنی از بدن آن شخص بیرون می شود و یا اینکه یکی از حالات زیر مشاهده می شود:

۱- مریض غش می کند.

۲- فریاد می زند.

۳- دست بر گوشه‌هایش می گذارد.

۴- فریاد می زند و می گوید: قرآن نخوان.

۵- صداهای عجیبی مانند صدای حیوانات بیرون می آورد.

۶- چشمانش را می بندد.

۷- بدنش شروع به لرزش می کند.

آنگاه بعد از مشاهده این علامات او را مخاطب قرار بده و از وی سواها بپرس:

- نامت چیست؟

- چه دیانتی داری؟

- علت داخل شدن به بدن این شخص چیست؟

- آیا کسی دیگر نیز همراه تو است؟

- آیا به دستور شخص سحر گری به بدن این شخص داخل شده ای؟

- در کجای بدن هستی؟

پس اگر جنی مسلمان باشد او را پند و اندرز بده و او را نصیحت کن، و سبب داخل شدنش را بدان، اگر بخاطر ظلم و ستم این کار کرده برایش بیان کن که سر انجام ستمکاران در روز قیامت سخت است، اگر مسئله عشق و عاشقی است بگو: این عمل درست نیست و او را از عذاب الهی بترسان، و اگر بخاطر این بوده که شخص در حق او ستم کرده برایش بگو: این شخص قصد آزار و اذیت نداشته زیرا تو را ندیده، و کسی که متعمدا کاری نکرده سزاوار عقوبت نیست، و مسلمان برادر مسلمان است.

پس اگر پذیرفت و بیرون شد خدا را سپاس بگوئید.

و قبل از بیرون شدنش باید عهد ببندد که دیگر برنگردد و به کسی آزار نرساند، و چنین بگوید:
«با خدای بزرگ عهد و پیمان می بندم که بدون آزار و اذیت از بدن این شخص بیرون شوم، و هرگز بسوی او یا مسلمان دیگری بر نمی گردم و هیچ مسلمانی را اذیت نکنم، اگر من عهد خودم را شکستم پس لعنت و نفرین خداوند و فرشتگان و همه مردم بر من باد».

بعد از عهد بستن با گفتن سلام علیکم از بدن بیرون می شود. و نکته ای که باید توجه داشت این است که باید از انگشتان دست یا پایش، و یا گوش و یا بینی و یا دهانش بیرون شود. و هرگز به وی اجازه ندهید که از چشم یا شکمش بیرون شود.

- اما اگر جنی کافر باشد قبل از هر چیز او را به اسلام دعوت بده، پس اگر پذیرفت و مسلمان شد برایش بیان کن که و جودش در بدن این شخص و آزار رساندن به وی ظلم است و باید از او بیرون شود.

و در صورت نپذیرفتن اسلام و اصرار بر کفر و اذیت و آزار این شخص، او را تهدید کن و آن آیات سابق را تکرار کن و «آیت الکرسی» و سوره های «یس» و «صافات» و «دخان» و «جن» و «حشر» و «همزه» و «أعلی» که به جن آزار و رنج می رساند بخوان.
اگر باز هم از بیرون شدن انکار کرد با زدن برشانه ها و ران و بازویش او را مجبور به بیرون رفتن بکن.

مرحله سوم: بعد از علاج:

برای اینکه جنی نتواند بار دیگر به بدن این شخص برگردد لازم است که به وی دستورات زیر داده شود:

۱- پایبندی و محافظت بر طاعت و عبادت، و بخصوص نمازهای پنجگانه را با جماعت خواندن.

۲- دوری از گناهان و منکرات.

۳- خواندن «سوره بقره» در منزل.

- ۴- با وضو خوابیدن.
- ۵- خواندن آیت الکرسی قبل از خواب.
- ۶- خواندن دعای خواب.
- ۷- خواندن «سوره تبارک» قبل از خوابیدن، اگر سواد خواندن ندارد به نوار یا قرائت کسی گوش فرا دهد.
- ۸- خواندن «سوره یس» یا گوش گرفتن آن در هنگام صبح.
- ۹- در انجام هر کاری «بسم الله» گفتن.
- ۱۰- خواندن اذکار و اوراد صبح و شام.
- ۱۱- تنها نخوابیدن.
- ۱۲- اگر مریض زن است باید او را به اداء کردن حق شوهر، و رعایت حجاب شرعی امر کرد.
- ۱۳- خواندن سوره یا یا جزئی از قرآن یا شنیدن آن در شبانه روز.

چند نصیحت برای در امان بودن از شر جن:

- ۱- بر اذکار و اوراد صبح و شام محافظت کن.
- ۲- قرآن را بسیار تلاوت کن و یا به آن گوش فرا ده.
- ۳- هرگاه از جای بلندی پریدی «بسم الله» بگو.
- ۴- هرگاه آب داغ روی زمین رختی «بسم الله» بگو.
- ۵- هرگاه وارد اتاق تاریکی شدی «بسم الله» بگو.
- ۶- هرگاه چیز سنگینی بر زمین انداختی «بسم الله» بگو.
- ۷- هرگز در سوراخ ادرار نکن.
- ۸- تنها نخواب، در صورت مجبور بودن حتما با وضو بخواب اذکار خواب را فراموش نکن.
- ۹- به سگی یا گربه ای آزار نرسان.
- ۱۰- به تنهای در شب به صحرا نرو.

۱۱ - ماری که در منزل دیده می شود نکش، و در این مسئله به نکات زیر توجه کن:

- هر گاه در خانه ات ماری دیدی سه روز به او هشدار بده و به او بگو: «شما را قسم می دهم به آن عهدی که سلیمان بن داود از شما گرفته است که به ما آزار و اذیت نکنید و دوباره ظاهر نشوید»^۱.

اگر بعد از سه روز دوباره آشکار شد او را بکش.

- اگر بعد از سه روز دوباره ظاهر شد و او را کشتی پس در این صورت یا شیطان است یا جن یهودی یا مسیحی است و یا جن مسلمان سرکش و ستمگری است و یا مار حقیقی است.

هر گاه در خانه ماری دیدی که دو خط سفید یا سیاه روی کمرش است، و یا مار دم کوتاهی دیدی فوراً او را بکش چون که پیامبر اسلام دستور کشتن مارهایی که دارای چنین صفتی هستند داده اند.

- در خارج از منزل هر نوع ماری که دیدی بکش زیرا که پیا مبر ﷺ فقط از کشتن مارهای که در خانه است نهی نموده است.

در پایان از خداوند کریم خواهانم که به فضل کرم خویش گناهانم را عفو نماید.

و رفتگانم را بیا مرزد و آنان را در فردوس برین جای دهد.

و همه ی ما و شمارا از شر شیاطین مصون و در امان بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حسین تاجی گله داری

بیست رجب ۱۴۲۱ هجری

۱۳۷۹ شمسی

1- به شرح صحیح مسلم (۴۹۴/۷) رجوع شود.